روزنامه شرق

یکشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۰ • ۵ ربیع‌الاول ۱۴۳۳ • ۲۹ ژانویه ۲۰۱۲ • سال نهم

شماره پیاپی ۱۴۵۱ • شماره ۵۲۷ دوره جدید • ۲۰صفحه • ۶۰۰ تومان

هاشمی مطرح کرد

راهکارهای عبور از گردنه‌های کنونی

ایلنا: رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار جمعی از فعالان سیاسی، دانشجویی و مطبوعاتی کشور به سوالات و دغدغه‌های آنان پاسخ داد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در پاسخ به سوالی در مورد انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی، با تاکید بر احترام کامل به مواضع همه گروه‌ها برای حضور در این صحنه گفت: همان‌گونه که قبلا گفته‌ام...

صفحه ۲

محمدمهدی عسگرپور در گفت‌وگو با «شرق»:

سینما زندگی ماست

گروه هنر: در مورد هر موضوعی با محمدمهدی عسگرپور صحبت کنید، نمی‌توانید بحث را به «خانه سینما» و اتفاقاتی که این روزها با آن روبه‌رو شدند، نکشانید. حتی زمانی که دارید با او درباره مجموعه تلویزیونی شیدایی صحبت می‌کنید که به نسبت خیلی از مجموعه‌هایی که در سال‌های اخیر روی‌آنتن شبکه‌های تلویزیونی رفته است...

صفحه ۹

عماد افروغ در گفت‌وگو با «شرق»:

مکتب ایرانی، فرصت‌طلبی است

همین صفحه

دولتیان بازهم به نشست مشترک با مجلس نیامدند

چشم نمایندگان به «در» ماند

نمایی از نمایندگان مجلس که نشست مشترک دیروز آنان با مقامات اقتصادی دولت به علت عدم حضور دولتی‌ها لغو شد؛ عکس: ایسنا

گروه سیاسی، سروش فرهادیان: آب معدنی به اندازه کافی؛ هر نفر یک بطری. صندلی هم به اندازه وافی؛ هر نفر حتی بیش از یک صندلی. می‌شد راحت نشست. نماینده مجلس هم به شاخص. از روسای کمیسیون‌های اقتصادی بگیرید تا رییس و نایب‌رییس مجلس و رییس مرکز پژوهش‌ها. نمایندگان دولت اما نه به تعداد کافی که حتی به اندازه رسمی شدن جلسه هم نبودند؛ دریغ از یک نفر. این تصویر جلسه روز گذشته مجلس و دولت برای بررسی بازار ارز و طلا و وضعیت اقتصادی کشور است. آمدن یا نیامدن؛ موضوع اصلا و ابدا این نیست، موضوع فقط «نیامدن» است و بس؛ موضوع جلسه‌های اقتصادی مجلس و دولت. از مجلس اصرار که بیایید به صرف بررسی اقتصاد دورهم باشیم و از دولت انکار که نیازی به توضیح نمی‌بیند. آن هم نه انکار علنی. جلسه تعیین می‌شود. قرار ملاقات تنظیم می‌شود. مجلس آماده می‌شود. نمایندگان جمع می‌شوند. ثانیه‌ها هم لاجرم می‌گذرد، هرچه بیشتر کندتر. اما خبر می‌رسد که دولتیان نمی‌آیند. نمایندگان هم وسایل‌شان را جمع می‌کنند و از شانس‌شان گله می‌کنند و دست دردست هم می‌روند. خدمات مجلس شیرینی و بشقاب روی میزها را جمع می‌کند. اقتصاد کشور هم راه خودش را می‌رود و بس. موضوع نشست‌ها همان است که بود؛ موضوع این روزهای بیشتر مردمانی که در این سرزمین زندگی می‌کنند. جهش‌های دلار و زمینگیری ریال. بالا رفتن قیمت‌ها و کاهش توان خرید. طلا هم که راه خودش را می‌رود. قیمت در هر اونس یک سنت بالا برود، بازار و بازاریان ایران نمی‌گذرند؛ می‌گویند طلا در بازار جهانی بالا رفته و ما هم هماهنگیم با دنیا. قیمت در هر اونس هم که ثابت باشد تا تقی به توقی بخورد، قیمت سکه بالا می‌کشد. حالا می‌خواهد رییس‌جمهوری آمریکا یک برگ کاغذ را میانه تعطیلاتش امضا کرده باشد که در آینده بانک مرکزی جمهوری اسلامی تحریم شود یا چند ناو آمریکایی عزم خلیج فارس کنند، یا آنکه اتحادیه اروپا پرونده هسته‌ای ایران را بررسی کنند یا «تیموتی گایدنر»، وزیر خزانه‌داری آمریکا به شرق دور برود تا چشم‌بادامی‌ها را قانع کند نفت ایران را نخرند یا کمتر بخرند. تجربه ثابت کرده تغییر محل برگزاری میزبانی‌های اقتصادی مجلس هم تاثیری بر دولت ندارد. می‌خواهد نشست در صحن علنی بهارستان تشکیل شود یا تالار آینه مجلس قدیم. میهمانان اقتصادی نمی‌آیند که‌نمی‌آیند.

ادامه در صفحه ۲

عماد افروغ در گفت‌وگو با «شرق»:

مکتب ایرانی، فرصت‌طلبی است

گروه سیاسی، نفیسه زارع‌کهن: عماد افروغ از آن دست فعالان سیاسی است که همواره نقش منتقدانه خود را حفظ کرده است؛ از دوره اصلاحات گرفته تا الان. هرچند خودش هم می‌گوید در آن دوران مجال بیشتری برای بیان انتقادات خود داشت؛ چیزی که الان کمتر یافت می‌شود. او در مجلس هفتم در کمیسیون فرهنگی مجلس حاضر بود و بعد از آن به گفته خودش به این نتیجه رسید که حضور در عرصه پژوهش و دانشگاه برایش دلچسب‌تر است چرا که کارآیی در این عرصه بیشتر از هر عرصه دیگری است. افروغ را در یک صبح نیمه‌برفی در خانه‌اش ملاقات کردم و او چنان صریح از دغدغه‌هایش گفت و عرصه‌های مختلف جامعه و سیاست را به نقد کشید که به دلیل برخی مصالح گاه ناچار به حذف بخشی از آنان شدیم. او که این روزها به دلیل حضورش در برنامه پارک ملت تلویزیون و بیان مطالبی درباره وضعیت سیاسی کشور و نکاتی درباره اندیشه‌های سیاسی انقلاب مورد انتقادات شدید قرار گرفته است گفت که جامعه ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و... دچار شکاف شده است و همین شکاف است که از موانع مشارکت مردم در امور جامعه است. این استاد دانشگاه در طول مصاحبه از مجلس انتقاد کرد و از فهم غلط از گفتمان انقلاب اسلامی سخن گفت؛ مساله‌ای که این روزها بسیار از آن سخن می‌رود و با نزدیک شدن به سالگرد پیروزی انقلاب از زبان چهره‌های مختلفی درباره آن اظهارنظر شده است؛ اظهارنظرهایی که گاه جنبه‌ای جنجالی هم به خود گرفته‌اند. آنچه در پی می‌آید ماحصل گفت‌وگوی دوساعته شرق با عماد افروغ است.

■■■

مشارکت مردم در امور جامعه چه لوازم و ضرورت‌هایی دارد؟

این مشارکت یک‌سری ملزومات فلسفه سیاسی، فرهنگی و تاریخی و یک‌سری هم ملزومات ساختاری و حکومتی دارد. ملزومه فلسفه سیاسی‌اش این است که برای مردم حقی قایل باشیم و نگاه معطوف به‌حق به مردم داشته باشیم و صرفا از سر تکلیف به مردم ننگریم و به‌مثابه ابزار به آنها توجه نکنیم. نگاه حق‌مدار به انسان خود بحث مستقلی می‌طلبد، اما تاریخ بشر به سمت این تشخیص متعالی رفته که انسان‌ها واجد حق هستند و این حقوق هم متنوع‌اند و فقط فردی نیستند. هم حق فردی، هم حق گروهی، هم حق جامعه‌ای و هم در سطحی حق جهانی دارند. همچنین من امیدوارم ان‌شاءالله به سمتی برویم که حق جهانی جا بیفتد؛ از باب همان شعر سعدی که «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار» یعنی همه احساس کنیم که به یک پیکر تعلق داریم و باید به این سمت برویم. این چیزی است که غایت آفرینش ما را به آن سمت هدایت می‌کند و فرا می‌خواند. به علاوه مبانی فلسفه سیاسی ما مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و این مردم‌سالاری دینی تعریف جدیدی از مشروعیت است و حق مضاعفی برای انسان قایل است، هم عطف به مردم‌سالاری آن و هم عطف به اسلامیت آن،که البته برمی‌گردد به تعابیر و تفاسیر مختلف از اسلام. البته ناگفته نماند که وقتی پای حق به میان می‌آید، پای تکلیف هم به میان می‌آید. این هم یک نکته‌ای است که بد نیست به آن توجه شود. نقدی که به لیبرال‌ها وارد می‌شود، این است که شما بیش از حد به‌حق تاکید کرده و از تکلیف غافل شده‌اید. به هرحال ما معتقدیم که حق متنوع است و متناظر با هستی‌های مختلف (فردی، گروهی، جامعه‌ای و جهانی)، انسان حقوق و البته تکالیف متناظر دارد. مفهوم تکلیف هم به این معنا نیست که شما از حق خودت صرف‌نظر کنی بلکه به این معناست که هم از حق خودت و هم از حق دیگری دفاع کنی و تکلیفی هم در برابر حق دیگری داشته باشی و باید متوجه همه حقوق و تکالیف و تعارض اقتضایی آنها باشی. این در واقع یکی از ملزومات مشارکت است و اتفاقا مشارکت یکی از حقوق شناخته شده انسان‌هاست و معمولا آن را ذیل حقوق اجتماعی در کنار رفاه و امنیت ذکر می‌کنند؛ اما می‌تواند هم ناظر به فرد، هم ناظر به گروه‌های مختلف در سطح ملی و هم ناظر به کشورهای مختلف در قلمرو جهانی و بین‌المللی باشد.

ملزومات فرهنگی که گفتید چه بود؟

ملزومه فرهنگی آن این است که جامعه با مشارکت آشنا باشد. جامعه به لحاظ فرهنگی و تاریخی، مشارکت را تجربه کرده و طعم خوش مشارکت را چشیده باشد و به صورت یک امر و واقعیت فرهنگی و تاریخی برای آن درآمده باشد. کشورهایی که تجربه مستمر مشارکت به‌مثابه یک حق و به تبع دموکراسی را ندارند، به راحتی نمی‌توان این معنا را در موردشان به کارگرفت که به لحاظ فرهنگی - تاریخی نیز استعداد و قابلیت خوبی برای پذیرش این حق دارند. ممکن است عطف به آموزه‌ها و واقعیاتی خاص، قابلیت و ظرفیت خوبی برای مشارکت داشته باشند، اما در اینجا سخن ما ناظر بر وجه بالفعل و متراکم تاریخی استفاده از این حق است که ملکه یک قوم شده است یا خیر.

بر این اساس، آیا می‌توانیم مدعی شویم که جامعه ما به لحاظ تاریخی دارای این قابلیت و فعلیت بوده است تا در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و در سطوح تصمیم‌گیری، نظارت و اجرا، مشارکت قابل قبولی داشته باشد؟ تصور نمی‌کنم کسی بتواند این ادعا را داشته باشد که ما به لحاظ فرهنگی هیچ مانعی نداریم و به لحاظ تاریخی تجربه خوبی هم در تمام این سطوح و عرصه‌ها از مشارکت داشته‌ایم.

و ملزومه ساختاری و حکومتی چیست؟ آیا ما در این زمینه شرایط مساعدی برای مشارکت داریم؟

بحث ساختاری و حکومتی برمی‌گردد به اینکه کشور ما به لحاظ ساختاری، با فراز و فرودش مستعد پذیرش مشارکت هست یا خیر؟ مثلا آیا رابطه معطوف به قدرت- ثروت، تمرکزگرایی در اداره کشور، عدم آمایش سرزمین و عدم تفویض اختیار به سکونتگاه‌های مختلف و اقتصاد نفتی و دولت تحصیلدار (رانتی)، زمینه‌های خوبی برای مشارکت هستند؟ پاسخ من خیر است. سوال می‌کنم آیا برخوردار از رابطه قدرت- ثروت است؟ می‌گویم بله، می‌پرسم آیا برخوردار از آمایش سرزمین و تفویض اختیار هست؟ می‌گویم خیر. پس بنابراین ما به لحاظ ساختاری بخش اعظمی از موانع را در اختیار داریم و ظرف مناسب را برای مشارکت ساختاری و نهادمند نداریم. با وجود رابطه قدرت - ثروت ناشی از تمرکزگرایی و اقتصاد نفتی، نمی‌توانید توقع یک مشارکت مدنی تمام‌عیار داشته باشید. نکته دوم هم برمی‌گردد به نوع نگاه دولتمردان و حکمرانان ما، اینکه تا چه اندازه احساس می‌کنند که واقعا وکیل مردم هستند یا قیم مردم؟ یعنی تا چه اندازه به آنها اختیاراتی تفویض شده است که با وکالت از مردم برای مردم تصمیم بگیرند یا اینکه بر این پندارند که تفویضی صورت گرفته که از جانب خود برای آنها تصمیم بگیرند (همان دعوای ریشه‌دار وکالت و نمایندگی). نکته سوم آیا در این بین توجه به مقوله‌ای به نام وحدت در عین کثرت دارند؟ آیا متوجه این معنا هستند که کشور را یک قشر و یک طبقه و یک جناح و یک گروه خاص (حالا هر گروهی که می‌خواهد باشد) نمی‌تواند به سلامت اداره کند. آیا به این مساله توجه دارند که بهترین شکل حکومت آن است که در آن مردم در عرصه‌های مختلف به بازی گرفته شوند. عطف به این عوامل است که بر این باورم که هرچه به زمان اخیر نزدیک‌تر شده‌ایم، خواسته و ناخواسته شکافی را دامن زده‌ایم. برخی از ریشه‌های این شکاف اقتضایی و غیرضروری بوده و باید با تحول شرایط نسبت به بازنگری در آنها اهتمام ورزید.

ادامه در صفحه ۳

سرمقاله

ضرورت تشکیل هیات‌منصفه جرایم سیاسی

سیدمحمود علیزاده طباطبایی*

دو روز پیش رییس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد طرحی در رابطه با «هیات منصفه دادگاه‌های مطبوعاتی» در مجلس هشتم وجود دارد که اگر بررسی آن به مجلس هشتم برسد، خیلی خوب است. در این رابطه باید گفت: اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی ضرورت حضور هیات‌منصفه در رسیدگی به جرایم سیاسی را پیش‌بینی کرده است و نحوه انتخاب، شرایط اختیارات هیات‌منصفه و تعریف جرم سیاسی را برعهده قانون‌گذار قرار داده تا براساس موازین اسلامی این موارد قانونمند شوند.

تبصره ذیل ماده ۴ و تبصره یک ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی سال ۱۳۸۱ رسیدگی به جرایم سیاسی را در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار داده ولی متاسفانه تاکنون دادگاه کیفری استان به بهانه اینکه جرم سیاسی تعریف‌نشده و هیات‌منصفه جرایم سیاسی به‌صورت قانونمند تعیین نشده‌اند از رسیدگی به جرایم سیاسی امتناع کرده است و در قانون مجازات اسلامی هم در کتاب پنجم فصل اول، جرایم سیاسی تحت‌عنوان جرایم ضدامنیت داخلی و خارجی کشور آمده درحالی که در لایحه قانون رفع آثار محکومیت‌های سیاسی آمده است: ماده واحده محکومیت کلیه کسانی که به‌عنوان اتهام اقدام علیه امنیت کشور و... و اتهامات سیاسی دیگر تا تاریخ ۵۷/۱۱/۱۶ به حکم قطعی محکوم شده‌اند کان‌لم‌یکن و ملغی‌الاثر تلقی می‌گردد و ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ نیز مصادیق ممنوعیت‌های احزاب سیاسی تعیین شده و ماده ۱۵ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی مصوب سال ۶۰ برخی از مصادیق جرایم سیاسی مربوط به بعد از انقلاب را احصا کرده و در این قانون تبلیغ علیه نظام و تظاهرات غیرقانونی جرم سیاسی تلقی شده است.

ولی تصمیم مسوولان عدم رسیدگی به اتهامات سیاسی در محاکم دادگستری با حضور هیات منصفه بوده و به همین دلیل هنوز قانون مورد نظر قانون‌گذار در اصل ۱۶۸ و نحوه انتخاب هیات منصفه جرایم سیاسی به‌رغم گذشت ۳۰سال به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده و اصل ۱۶۸ قانون اساسی متروک مانده است.

اقدام ریاست مجلس شورای اسلامی در احیای اصل ۱۶۸ قانون اساسی اقدامی ماندگار و افتخاری همیشگی برای مجلس هشتم خواهد بود.

***وکیل دادگستری**

خبر

انتقال ایرانیان گروگان گرفته شده در سوریه به لبنان

در حالی که روز جمعه، رسانه‌های غربی کلیپ‌هایی را درباره نظامی بودن مهندسان ایرانی ربوده شده در سوریه پخش کردند، اخبار رسیده حاکی از این است که این افراد روز شنبه به شمال لبنان منتقل شدند. وب‌سایت پرس‌تی‌وی نوشت: منابع خبری از فرستادن پنج مهندس ایرانی گروگان گرفته شده به شمال لبنان خبر داده‌اند. یکی از منابع خبری در شمال لبنان که از قبایل این کشور است، این خبر را روز شنبه فرستاده است. بنا بر این گزارش، این مهندسان ایرانی در ماه اکتبر در شهر «حمص» توسط گروهی - که خود را وابسته به ارتش آزاد سوریه می‌دانند - ربوده و به گروگان گرفته شدند. آنان هدف خود را مبارزه با شیعیان در سوریه اعلام کرده‌اند.

موسیقی

گفت‌وگوی «شرق» با ابراهیم قنبری‌مهر

روایتی از سازسازی و ساخت سازهای ابداعی

■ جامعه و زمان قضاوت خواهد کرد

صفحه ۱۲

تیترها

بحران سوریه‌وتحریم‌ایران در دستور کار

وزیران شورای همکاری خلیج‌فارس در استانبول

صفحه ۶

۲۴ ساعت بعد از اجرای تک‌نرخی شدن دلار

قیمت‌ها دوباره صعودی شدند

صفحه ۴

در صفحات

گفتمان امروزی
کارتون حسن کریم‌زاده /صفحه آخر

به شفافیت نیاز داریم
گفت‌وگو با محمدرضا بهزادیان /صفحه ۴

به یاد دوست؛ خسرو گلسرخی
غلامرضا امامی /صفحه آخر

خروج سالانه ۸۰هزار نخبه از کشور
گفت‌وگو با محمد علیزاده /صفحه ۱۹

حرف اول

بی‌مهری با ثروت ملی

مصطفی ایزدی

«مسکن مهر» عبارت کوتاهی که در چهار، پنج سال اخیر به دفعات زیاد توسط انواع و اقسام رییس و مدیر و معاون بر زبان‌ها جاری شده، هر از چندگاهی به یک سوژه قابل بحث تبدیل می‌شود. مسکن مهر، عبارتی است که همیشه و همه جا با عدد و رقم درشت همراه است. در این یادداشت نمی‌خواهم آمار و عدد و رقم دولتی‌ها را مخدوش کنم، فقط می‌خواهم کمی درباره آن حرف بزنم. وزیر مسکن و راهسازی در سال‌جاری به دفعات آماری از تعداد واحدهای مسکن مهر ارایه کرده که نشان می‌دهد دو میلیون و ۶۰۰هزار واحد مسکونی به نام مهر در سراسر کشور ساخته شده یا در دست ساخت است. از این تعداد، ۸۰۰هزار واحد آن در روستاها احداث شده و می‌شود. از این خبر که آخرین روزهای دی‌ماه باز هم تکرار شد، وارد موضوع مسکن مهر می‌شوم و نکاتی را که نباید از طرح آن خودداری شود، یادآوری می‌کنم:

۱- کمترین هزینه‌ای که صرف ساختن دو میلیون و ۶۰۰هزار واحد مسکونی شده و برای تکمیل آن هزینه خواهد شد عبارت است از:

الف: هزینه ساخت: ۷۸۰هزار میلیارد ریال

ب: هزینه آماده‌سازی و امور زیربنایی: ۵۰هزار میلیارد ریال

ج: پولی که بهره‌بردار باید در هر واحد مسکن مهر هزینه کند تا قابل سکونت باشد: ۳۰هزار میلیارد ریال

جمع این سه آیتم و هزینه‌های بانک‌ها و وزارتخانه‌های مربوطه، بالغ بر یک‌صد هزار میلیارد تومان می‌شود. این ثروت کلان که به صورت پول نقد در حاشیه شهرها و روستاها بر زمین پخش شده و تا چند ماه دیگر یعنی تا اتمام ساخت تعداد واحدهای مسکونی مورد اشاره وزیر، هزینه می‌شود، چه سودی برای مملکت ما و مردم آن دارد؟

۲- می‌دانیم که متوسط جمعیت هر خانوار ایرانی، که در یک واحد مسکونی نشسته‌اند، پنج نفر است. در واقع ایران ۱۵ میلیون واحد مسکونی دارد که از این تعداد، فقط ۱۶درصد، یعنی دو میلیون و ۴۰۰هزار آن، در اجاره ساکنان است و بقیه در ملکیت ساکنان است.

ادامه در صفحه ۱۵

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
تلفنی آگهی می‌پذیرد.

۸۸۶۵۸۵۷۵
۸۸۵۲۴۹۷۴
۸۸۵۲۴۹۷۳
۸۸۷۵۲۱۵۹